

## حقوق عام اقلیت‌های دینی در قوانین اساسی ایران، مصر و عراق

حجت‌الیه ابراهیمیان<sup>1</sup>

### چکیده

وجود اقلیت‌های دینی و نحوه تعامل حکومت‌ها با آنان که یکی از انواع اقلیت‌ها محسوب می‌شوند، از دیرباز مورد توجه دولت‌ها بوده است. کشورهای ایران، مصر و عراق به دلیل قدمت چند هزار ساله از موقعیت حساسی در منطقه برخوردارند. وجود اقلیت‌های دینی در این سه کشور و بررسی حقوق آنها مورد عنایت صاحب‌نظران بوده و هست. زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان تنها اقلیت‌های دینی در ایران شناخته می‌شوند؛ (اصل 13 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) همچنین در مصر علی‌رغم وجود اقلیت‌های دینی، شیعه، مسیحیان قبطی و یهودیان و عدم ذکر اقلیتی خاص در قانون اساسی، اصل 40 قانون اساسی این کشور بهره‌مندی از حقوق عمومی همه شهروندان مصری بدون توجه به مذهب را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ در ماده 2 قانون اساسی عراق، اقلیت‌هایی دینی مانند مسیحیان، یزیدیان و صائبی‌های مندانی را مورد شناسایی قرار می‌دهد.

ممکن است اقلیت‌های دینی در این سه کشور از «حقوق خاصی» در جامعه سیاسی خود برخوردار باشند اما این مقاله به بررسی حقوق عام اقلیت‌های دینی در این سه کشور با توجه به اهم حقوق مدنی - سیاسی و نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. با تمرکز این

---

1 دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران hojat49@gmail.com

تحقیق بر قوانین اساسی سه کشور فوق بر محور بررسی حقوق عام اقلیت‌های دینی، نقاط اشتراک و افتراق قوانین سه کشور به دست می‌آید.

**واژگان کلیدی:** حقوق، اقلیت‌های دینی، ایران، مصر، عراق.

### مقدمه

رعایت حقوق اقلیت‌های دینی علاوه بر کارکرد ابزاری آن در دفع تهدیدات و مخاصمات به خصوص با توجه به نقش مهم سه کشور ایران، مصر و عراق در منطقه، به خودی خود ارزشمند است؛ چه آنکه میراث مذهبی نیاکان، نقش مهمی در ساخت بنیان‌های هویتی افراد اقلیت‌ها دارد به طور طبیعی هر انسانی مایل است که هویت خود را حفظ نماید؛ از طرفی پاسداری از تنوع فرهنگی جامعه، این فرصت را به اعضای گروه‌های مختلف می‌دهد که با رعایت احترام متقابل زندگی کنند و ارتباطات و مبادلات فرهنگی - دینی مابین خود را افزایش دهند. در این نوشتار با هدف تبیین حقوق عام اقلیت‌های دینی در قوانین اساسی سه کشور ایران، مصر و عراق، ابعاد مختلف حقوق مدنی - سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### تعریف اقلیت‌های دینی

در آغاز این نوشتار لازم است به مفهوم دین و اقلیت‌های دینی اشاره شود؛ دین در لغت به معنای جزا، عادت، طاعت، قهر و غلبه و هر چه که با آن قرب به خداوند حاصل می‌شود، می‌آید (فیروز آبادی، 1412: 4-320) و در اصطلاح مجموعه‌ی احکام و دستورهایی است که پروردگار برای رستگاری جامعه بشری بر رسولان و پیامبران حق نازل کرده و اطاعت از این دستورها را بر همگان لازم دانسته و برای آن پاداش اخروی منظور داشته است (فاضل میبدی، 1375: 14). با الهام از مفهوم دین، می‌توان «اقلیت‌های دینی» را این چنین تعریف کرد که اهل کتاب ساکن در جامعه اسلامی که از احترام، امتیازات و حقوقی بهره‌مند هستند را اقلیت‌های دینی می‌نامیم (شریعتی، 1384: 20).

### حقوق مدنی - سیاسی<sup>1</sup>

حقوق مدنی - سیاسی آن دسته از حقوق اساسی انسان محسوب می‌شوند که به حیثیت ذاتی او توجه دارد و تمتع از آنها نیازی به دخالت دولت ندارد و اگر قدرتی مانع از دارا بودن آن حقوق نشود، برخورداری از آنها به حمایت موثر و مداوم دولت نیاز ندارد.

#### اول: کرامت انسانی

باور داشتن به ارزش، اعتبار و حیثیت انسانی قطع نظر از جنبه‌های عارضی، شرط اولیه برای شناسایی حقوق و آزادی انسان است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ایمان به کرامت و ارزش والای انسانی را جز مبانی اصلی نظام می‌داند و در ردیف اعتقاد به توحید و وحی و معاد به شمار می‌آورد (اصل دوم قانون اساسی). در این دیدگاه انسان به منزله یک حیوان ابراز ساز تلقی نشده بلکه انسان خلاصه موجودات و اشرف موجودات متکامل عالم طبیعت است (ورعی، 1385: 169).

#### دوم: تساوی در برابر قانون

مفهوم تساوی در برابر قانون آن است که قانونگذار تمامی افراد یک جامعه با وجود اختلافات در زبان، نژاد، جنس و مذهب را به یک چشم بنگرد و برای آنان حکم واحد صادر نماید. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول 19، 20، بند 4 اصل 3 و بند 9 اصل 3 به تساوی عموم افراد ملت در برابر قانون، تساوی در مقابل دادگاه‌ها، تساوی در بهره‌گیری از امکانات، تساوی در پرداخت مالیات، تساوی از لحاظ خدمت و وظیفه و تساوی از نظر اشتغال به مشاغل دولتی و رفع تبعیض تصریح نموده است. مطلب مهمی که در خصوص اصل 19 لازم است به آن پرداخته شود این است که اگر مردم ایران از نظر دین و مذهب متفاوت باشند، آیا از حقوق مساوی برخوردارند؟ و آیا مشمول اصل نوزده می‌شوند؟ در صدر اصل 19 فقط قوم و قبیله را بیان نموده است و تصریح نمود که «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند، از حقوق مساوی

---

<sup>1</sup>civil and political Rights.

برخوردارند» و اشاره‌ای به دین و مذهب ننموده است؛ اما در ذیل اصل 19 بعد از آنکه رنگ، نژاد و زبان را سبب امتیاز نمی‌داند از عبارت «و مانند اینها» استفاده می‌کند.

### سوم: حق آزادی

آزادی، عبارت است از قدرت انجام هرگونه عملی که به دیگران لطمه‌ای وارد نیابد (اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند، 1789: ماده‌ی 4). البته به نظر می‌رسد تعریف ذیل از آزادی از جامعیت بیشتری برخوردار است؛ «حق طبیعی که همه افراد آدمی به مقتضای انسان بودن خود، به طور یکسان از آن برخوردارند و به موجب آن در انجام و ترک هر عملی، تا جایی که باعث نقض حقوق طبیعی دیگران و اصول ارزشی مورد احترام جامعه نشود، مجازند» (جمعی از نویسندگان، 1381: 183).

### الف: آزادی عقیده و مذهب

در زمینه‌ی آزادی مذهبی اصول 12 تا 14 قانون اساسی، تکلیف را روشن کرده است، طبق اصول مزبور پیروان سه دین زرتشتی، مسیحی و یهودی و نیز به طریق اولی پیروان مذاهب اسلامی در انجام مراسم مذهبی خود آزادند و در احوال شخصی نیز طبق تعلیمات دینی خود عمل می‌کنند؛ لازمه‌ی این بیان این است که پیروان سایر فرقه‌ها و گرایش‌های مذهبی، هر چند از اصل آزادی عقیده طبق اصل 23 بهره‌مند هستند و به حکم اصل مزبور و اصل 14 باید با آنان با قسط و عدل رفتار کرد و مورد آزارشان قرار نداد و با دید وسیع، اعتقاداتشان را مانعی برای برخورداری از حقوق شهروندی و اجتماعی ندانست ولی آزادی نشر عقاید خود و تبلیغ آن و انجام مراسم مذهبی که جنبه غیر شخصی و عمومی دارد برای این گروه‌ها در اصول قانون اساسی ایران پیش‌بینی نشده است (مه‌پور، 1378: 158).

قانون اساسی مصر در اصل 46 بدون آنکه به مذهب و یا دین خاص اشاره‌ای داشته باشد تصریح می‌کند که «حکومت باید آزادی عقیده و آزادی اعمال مذهبی شهروندان را تضمین نماید». بنابراین اولاً اطلاق آزادی عقیده و اعمال مذهبی این نکته را می‌رساند که قانون‌گذار به مذهب خاصی نظر ندارد و ثانیاً آزادی اعمال مذهبی فرع حق داشتن مذهب می‌باشد.

در قانون اساسی عراق، گرچه بند 2 ماده‌ی 2 آن، حفظ هویت اسلامی اکثریت ملت عراق را تضمین می‌کند اما به صراحت اشعار می‌دارد که «آزادی عقیده و اجرای شعائر دینی همه افراد مورد تضمین است» در ماده‌ی 39 به هر یک از شهروند عراقی اختیار می‌دهد که خود دین و مذهبش را انتخاب نماید و در مشخصات فردی خود حفظ نمایند.

### ب: آزادی بیان

قانون اساسی مصر در اصل 47 به طور روشن، آزادی بیان را تصریح می‌کند و با عبارت «هر فرد» عمومیت را برای همه‌ی مصری‌ها تأکید می‌کند: «آزادی ابزار عقاید بایستی تضمین شود. هر فرد دارای حق بیان عقیده و ابراز شفاهی، کتبی، تصویری و یا وسایل دیگر بیان عقاید در محدوده قانون است. خود انتقادی و انتقاد سازنده باید ایمنی ساختار ملی را تضمین نماید». از عبارت «در محدوده قانون» این مطلب استنباط می‌شود که قانون‌گذار عادی می‌تواند برای آزادی بیان، محدودیت‌هایی را در نظر بگیرد.

قانون اساسی عراق در ماده‌ی 35 اشعار می‌دارد که «حکومت در برابر احیای فکر از افراد حمایت می‌کند؛ همچنین در بند 1 و 2 ماده‌ی 36 به آزادی بیان و اندیشه با همه ابزار و نیز آزادی مطبوعات، چاپ، نشر و رسانه تصریح می‌کند؛ البته رعایت نظم و آداب عمومی از محدودیت‌هایی است که در ماده‌ی 36 به آنها اشاره شده است.

به نظر می‌رسد قانون اساسی ایران با توجه به ضرورت تحفظ بر مبنای دینی خود، از روی آگاهی دامنه آزادی بیان را چندان توسعه نداده است و هر جا که اشاره به آزادی بیان نموده، ضرورت رعایت موازین اسلامی، مصالح کشور و حقوق عمومی را یادآور شده است و در خصوص اقلیت‌های دینی نیز در اصل 26 و 13 آزادی تشکل‌ها و مراسم دینی را تأکید نموده است.

### ج: آزادی سیاسی

قانون اساسی ایران در بند 8 اصل 3، از جمله وظایف دولت را مشارکت عامه بر شمرده است؛ همچنین در اصل 6 تأکید می‌کند که امور مملکت باید با اتکا به آرای عمومی اداره شود و نیز در اصل 7 بر نقش محوری شوراها و مجلس تأکید می‌کند. در قانون عادی اشاره می‌کند که تمام آحاد ملت می‌توانند در انتخابات شرکت کنند و فقط دیوانگان، کودکان و کسانی که تابعیت جمهوری اسلامی ایران را ندارند ممنوع از رای دادن هستند (ماده‌ی 29 قانون انتخابات مجلس: مصوب 1362).

قانون اساسی مصر در اصل 62، علاوه بر اینکه دخالت شهروندان در امور عمومی و اجتماعی را یک حق می‌داند، به عنوان یک وظیفه نیز تلقی می‌کند؛ در این اصل می‌خوانیم: «شهروندان، حق رای، کاندیداتوری و بیان عقایدشان در همه پرسشی‌ها را بر اساس مقررات قانونی دارند. مشارکت آنها در امور اجتماعی و عمومی یک وظیفه ملی محسوب می‌شود». در این اصل از اطلاق شهروندان، شمول این حق برای همه از جمله اقلیت‌های دینی استنباط می‌شود.

همچنین قانونگذار اساسی در عراق در ماده‌ی 20 تصریح می‌کند که هر شهروند عراقی حق دارد در امور عمومی کشور خود برای تعیین مقامات سیاسی شرکت کند و یا به تصدی مشاغل عمومی و سیاسی نائل آید؛ که از عموم این ماده شمول آن برای اقلیت‌های دینی ساکن در عراق نیز دانسته می‌شود.

### د: آزادی احزاب و اجتماعات

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل 26، آزادی تشکیل احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و اسلامی و حتی غیر اسلامی از اقلیت‌های دینی را با شرط عدم نقض استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را مجاز اعلام نموده است؛ همچنین در اصل 27، برای همگان، آزادی تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها را بدون حمل سلاح و بشرطی که مخل به مبانی اسلام نباشد، به رسمیت شناخته شده است.

قانون اساسی مصر در اصل 54، به شهروندان مصری حق داشتن گردهمایی‌های صلح‌آمیز و غیر مسلحانه بدون نیاز به اطلاع قبلی را یادآور می‌شود. همچنین در اصل 55 ضمن بیان آزادی تشکیل انجمن‌ها برای همه شهروندان، تاسیس انجمن‌هایی که فعالیت آن‌ها به ضرر نظام اجتماعی یا پنهانی و یا دارای ماهیت نظامی باشد را ممنوع اعلام کرده است.

از واژه «شهروندان» که در هر دو اصل 54 و 55 به کار برده شده به این نتیجه می‌رسیم که اقلیت‌های دینی ساکن در این کشور نیز از این حق بهره‌مند هستند. قانون اساسی عراق در بند سوم ماده 36 به طور مطلق، هر نوع تجمعات و تظاهرات مسالمت‌آمیز که بر اساس قانون سازماندهی شود را آزاد اعلام نموده است؛ همچنین در ماده‌ی 37 این قانون، آزادی تاسیس جمعیت و احزاب سیاسی یا پیوستن به آنها تضمین شده است.

#### چهارم: حق امنیت

مفهوم امنیت انسانی به معنای ایمنی از تهدیدهای جدی دنیای امروز، نظیر گرسنگی، بیماری، ستم‌دگی و آثار و تبعات زیان بار و ناگهانی ناشی از شکل زندگی جهان معاصر است (امیر ساعد، 1384: 132). به بیان دیگر امنیت عبارت از اطمینان خاطر است که بر اساس آن افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراس نداشته باشند.

در اصل 22 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران امنیت فردی مورد توجه قرار گرفته به طوری که حیثیت، جان، و مال، حقوق، مسکن، و شغل اشخاص مصون از تعرض اعلام شده است و سایر اصول از جمله 32، 33، 36، 37، 28، 29، 169 به نوعی به این مساله پرداختند. علاوه بر اصل 22 در اصل 46 قانون اساسی ایران به امنیت شغلی ایرانیان تصریح نموده است؛ بر اساس قسمت دوم این اصل، هیچکس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند. عدم اخراج کارگران بدون عذر موجه، از این اصل قابل استنباط است (هاشمی، 1384: 286).

قانون اساسی مصر، تقریباً با عباراتی شبیه قانون اساسی ایران، اقسام مختلف امنیت را مورد توجه قرار داده است، در اصل 41، 42، 43 امنیت فردی را مورد اشاره قرار می‌دهد؛ در اصل 41، تصریح می‌کند که «هیچ فردی را نمی‌توان بازداشت، بازرسی، توقیف و یا آزادیش را محدود کرد مگر در مواردی که مربوط به حفظ امنیت عمومی باشد یا براساس بررسی و تحقیق لازم الاجرا گردد». در اصل 13 قانون اساسی مصر، امنیت شغلی شهروندان مورد توجه قرار می‌گیرد و در اصل 34 به امنیت مالکیت می‌پردازد و تصریح می‌کند که «مالکیت خصوصی نباید سلب شود مگر برای منافع عمومی و در قبال جبران خسارتی که توسط قانون تعیین خواهد شد».

### پنجم: حقوق قضایی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل 34، دادخواهی را حق مسلم هر فرد می‌داند و تأکید می‌کند هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. واژه «هر فرد» یا «هر کس» بیان‌کننده شمول این حق برای همه ایرانیان از جمله اقلیت‌های دینی است. همچنین در اصل 32، حق داشتن وکیل یکی از تضمین‌های مهم آیین دادرسی نسبت به رعایت حقوق اصحاب دعوا به ویژه متهمان است (گودرزی، 1382: 57).

قانون اساسی مصر در اصل 41، تأکید می‌کند که «هیچ فردی را نمی‌توان بازداشت، بازرسی، توقیف و یا آزادیش را محدود کرد مگر در مواردی که مربوط به حفظ امنیت عمومی باشد یا بر اساس بررسی و تحقیق لازم الاجرا گردد. اطلاق واژه «هیچ فرد» که در صدر اصل 41 آمده است، شامل اقلیت‌های دینی ساکن در این سرزمین نیز می‌شود. قانون اساسی عراق در بند ب ماده 35، بازداشت یا بازجویی از افراد را فقط بر اساس حکم قضایی امکان‌پذیر می‌داند؛ قانون اساسی عراق نیز به طور کاملاً روشن ممنوعیت بازداشت خودسرانه را اعلام نموده است که با توجه به اطلاق مواد فوق و نیز مندرجات ماده 14 که هرگونه تبعیض را بر اساس مذهب ممنوع اعلام نموده، اقلیت‌های دینی را نیز شامل می‌شود.

حق داشتن وکیل نیز از حقوقی است که هم بند 11 ماده‌ی 19 قانون اساسی عراق و هم اصل 69 قانون اساسی مصر به آن تصریح نمودند و حتی در هر دو، برای کسانی که توانایی مالی ندارند نیز تمهیداتی اندیشیده شده که البته صراحت آن که دولت هزینه‌ی آن را متقبل



می‌گردد در قانون اساسی عراق مشهودتر است؛ به هر حال از اطلاق ماده 19 قانون اساسی عراق و اصل 69 قانون اساسی مصر شمول آن به اقلیت‌های دینی نیز استفاده می‌گردد.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله مباحثی چون «اصل کرامت»، «حق حیات»، «اصل تساوی در برابر قانون»، «حق آزادی»، «حق امنیت» «حق تابعیت»، «حقوق قضایی»، «حق مالکیت»، «حق کار و داشتن شغل مناسب» و «حق آموزش و پرورش» مورد بررسی قرار گرفت. نقطه تمرکز کار این نبوده است که درباره مجموعه این حقوق و مبانی آن با توجه به قوانین اساسی این سه کشور بحث گردد، بلکه هدف اصلی این نوشتار بر این امر استوار بوده است که در مندرجات قانونی این حقوق که برای شهروندان ایرانی، مصری و عراقی به ننگارش در آمده است، بر محور فرضیه (عدم اختصاص این حقوق عام برای اکثریت جامعه) مورد کنکاش قرار گیرد. بنابراین، نوشتار حاضر تلاش نموده است همه حقوقی را که در قالب عناوین فوق برای اکثریت شهروندان در قوانین اساسی کشورهای مذکور بیان شده است برای اقلیت‌های دینی نیز ثابت نماید که این امر محقق شده است. البته در این میان تفاوت‌هایی در میان قوانین اساسی مشهود بوده است که به آنها در اصل مقاله اشاره شده است.

### منابع

درویش گفتار، احمد. (1383)، «حقوق اقلیت‌ها در قرآن، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما»،

قم.

دهخدا، لغت‌نامه.

شریعتی، روح الله. (1384)، «اقلیت‌های دینی»، کانون اندیشه جوان، تهران، چاپ دوم.

طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (1370)، «آزادی‌های عمومی و حقوق بشر»، موسسه انتشارات و

چاپ دانشگاهی تهران، تهران.

عمید زنجانی، عباسعلی. (1370)، «حقوق اقلیت‌ها»، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

فاضل میبیدی، محمدتقی. (1375)، «دین چیست؟»، قم، نشر خرم، چاپ اول.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قانون اساسی عراق.

قانون اساسی مصر.

مهرپور، حسین. (1387)، «مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، موسسه انتشارات دادگستر، تهران، چاپ اول.

هاشمی، سید محمد. (1384)، «حقوق بشر و آزادی‌های اساسی»، نشر میزان، تهران، چاپ اول.

Connle, Peck(1998)“Substantial peace: The Role of the an and Regional organizations in preventing conflict”, Rowmar and littlefield publishers.

Gaetano pentassuglia(2002)Minority Rights and the Role of Law: Reflections on Themes of Discourse in kymlicka's Approach to Ethnocultural Identity, p. 8 for the full text see: [www. Ecmi. De/jemie/ download/Focus 4 Pentassugliakymlica. Pdf](http://www.Ecmi.De/jemie/download/Focus4Pentassugliakymlica.Pdf).

H. Victor conde(2002)A Handbook of International Human Rights Terminology, Second Edition, New york, p, 55.

Hulstonj.kMapulanga(2002)Examining the justiciability of Economic, Social and cultural Rights, in the International Journal of Human Rights, vol. 6, p, 30.